

## دانشجویان و فرصتی جدید

### ارژنگ بامشاد

صدور حکم اعدام علیه هاشم آقاچری به اتهام ابراز عقاید خود در مورد دین و حکومت دینی، جرقه‌ای بود که اعتراضات جنبش دانشجویی را شعله‌ور کرد و به یک‌باره دانشجویان از اردبیل گرفته تا زاهدان و از مشهد تا اهواز، با سازماندهی گردهم‌آیی‌ها، سخن‌رانی‌های و راهپیمایی، ضمن محکوم کردن این حکم قرون‌وسطایی که چیزی جز حکم اعدام آزادی‌اندیشه و بیان نیست، به طرح گسترده‌ی خواست‌ها و برنامه‌های خود پرداختند. در این اعتراضات بسیاری از دانشجویان ضمن محکوم کردن این حکم یادآور شدند که این اعتراضات، دفاع از یک فرد نیست، بل که، دانشگاه به عنوان سنگر دفاع از آزادی‌اندیشه، از آزادی‌اندیشه و بیان آن دفاع می‌کند. دانشجویان علاوه بر آن در این اجتماعات بیش از گذشته بر خواست‌های خود مبنی از آزادی بیان و اجتماعات، دفاع از حقوق بشر و احترام به اصول آن، دفاع از دموکراسی و محکومیت استبداد مذهبی و دینی و به ویژه استبداد ولایتی تأکید کردند.

موج حرکت‌های دانشجویی آن‌چنان گسترده شده است که بسیاری از انجمن‌های دانشجویی نیز همگام با دانشجویان در بیانیه‌های خود به دفاع از خواست‌ها عمومی دانشجویان پرداخته و تلاش کرده‌اند خود را هم‌گام و هم‌راه جنبش مستقل دانشجویان قرار دهند. این امر در شرایطی که بسیاری از انجمن‌های اسلامی متوجه شده‌اند نزدیکی و پیوند بیش از حدشان با اصلاح‌طلبان حکومتی و بن‌بست اصلاح‌طلبی، پایگاه آن‌ها را در میان دانشجویان به شدت ضعیف کرده است، حائز اهمیت بسیاری است. همین رادیکالیزه شدن جنبش دانشجویی و ایجاد شکاف‌های گسترده در میان انجمن‌های دانشجویی و نگرانی از گسترش و غیرقابل کنترل شدن این اعتراضات و حرکت‌هاست که محمدخاتمی را واداشت به دانشجویان هشدار دهد که مواظب عوامل غیرخودی باشند و اجازه بهره‌برداری از این حرکت‌ها را ندهند. و یا بسیاری از رسانه‌های اصلاح‌طلب بار دیگر به دانشجویان هشدار می‌دهند که مواظب حرکت‌ها و اعتراضات خود باشند زیرا محافظه‌کاران در تلاشند به سرکوب جنبش دانشجویی هم چون جنبش ۱۸ تیر بپردازند.

نگرانی‌های گسترده اصلاح‌طلبان از یک‌سو و نگرانی شدید محافظه‌کاران از دیگر سو، بیان‌گر آن است که جنبش دانشجویی از فرصت پیش آمده برای ابراز وجود مجدد خود در دفاع از آزادی و دموکراسی و حقوق انسانی خود و دیگر هم‌وطنان‌شان به خوبی بهره‌برداری کرده و با حرکت هم‌زمان و گسترده‌ی خود، به فریاد اعتراضات مردمی علیه استبداد ولایت فقیه و کل حکومت دینی بدل شده است. ابراز نگرانی شدید اصلاح‌طلبان حکومتی و شخص خاتمی نیز این حقیقت را به شکل برجسته‌تری بیان می‌کند که این جنبش دیگر جنبشی در کنار اصلاح‌طلبان و یا اهرمی برای آنان نیست بل که به تدریج حضور مستقل خود را بیان می‌کند. همین نگرانی اصلاح‌طلبان است که این خطر را یک‌بار دیگر به وجود می‌آورد که هم‌چون ۱۸ تیر ۷۸ وقتی این جنبش از کنترل کامل آن‌ها خارج شد، در کنار تمامیت‌خواهان دستگاه ولایت به بهانه‌ی دفاع از حکومت دینی به سرکوب این جنبش بپردازند.

چنین وضعیتی جنبش دانشجویی را وامی‌دارد که ضمن تأکید بیشتر بر استقلال خود در دفاع قاطعانه‌تر از خواست‌های خود، بر هوشیاری خویش نیز بیافزاید و ضمن گسترش بیشتر این اعتراضات، پایه‌ی توده‌ای آن را نیز وسیع‌تر کرده و با جلب حمایت توده‌های مردم و دفاع از خواست‌های آنان زمینه‌ی حرکت‌های تک‌روانه را کاهش داده و جنبش خود را با جنبش عمومی مبارزه علیه استبداد دینی و برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی توده‌های مردم پیوند زند.